



سخن و سخنوری در گفتگویی نمادین با حضرت علی علیه السلام



عبدالرحیم موگهی

سرآغاز سخن

در این نوشته برآنیم تا «۵۰ سخن از امیر سخن، حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام، در زمینه «روش سخنوری را با قالبی نو به قلم آوریم و عنوان آن را «روش سخنوری در گفتگویی نمادین با حضرت علی علیه السلام» بنامیم که آن شاعر کاشانی، «سهراب سپهری»، خوش دیده و خوش سروده است:

«چشمها را باید بست

جور دیگر باید دید.»

شایان گفتن است که پیش از خواندن این گفتگو، چند نکته را شایسته و یا بایسته است که به خاطر

داشته باشیم:

۱. قالب برگزیده شده برای این نوشتار - همان گونه که از عنوان آن بر می آید - قالب «گفتگو» و «پرسش و پاسخ» است که طرح و شرح پرسشها بر اساس مطالعات و تجربه‌های نگارنده در زمینه «روش سخنوری» و بسا برداشت از احادیث مولای محبوبمان، حضرت امیر مؤمنان علیه السلام بوده است و تلاش بر این رفته که «تناسب صدر و ذیل»ها و «تناسب پرسش و پاسخ»ها درست باشند؛ هر چند احتمال دارد که در این مناسبات، نگارنده به خطا رفته باشد که در این

صورت، دست به دعا برمی‌دارد و سروده «مولوی» را زمزمه می‌نماید:

ای خدای پاک بی‌انباز و یار
دست گیر و جرم ما را در گذار...
گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن
مصلحی تو ای تو سلطان سخن...
گر خطایی آمد از ما در وجود
چشم می‌داریم در عفو ای و دود
امتحان کردم مرا معذور دار
چون ز فعل خویش گشتم شرمسار

۲. چون نگارنده، قالب «گفتگو» را برای این نوشتار برگزیده، کوشیده است که خدای ناخواسته و با پناه بر خدای بزرگ، در قلم و نگارش وی، کوچک‌ترین بی‌ادبی به امیر مؤدبان و مؤدب امیران علیه السلام روا نرفته باشد؛ هر چند تساهل و تسامحی اندک در برخی از تعبیرها و توضیحا و تکرارها را ناچار بوده و راه گریز و گزیری از آن نداشته است؛ اما نیک می‌داند که زبان خویش را باید به این سروده «ملای رومی» مترنم نماید:

از خدا جویم توفیق ادب
بی ادب محروم گشت از لطف رب

بی ادب تنها نه خود را داشت بید
بلکه آتش در همه آفاق زد

۳. هر ۵۰ حدیث به قلم آمده، از کتاب «مُعْجَمُ الْفَافِظِ غُرَرِ الْحِكْمِ وَ دُرَرِ الْكَلِمِ» است و از سوی «مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم» و برای نخستین بار در سال ۱۳۷۲ هجری شمسی (۱۴۱۳ هجری قمری) منتشر گشته و شماره صفحه هر حدیث در پایان ترجمه همان حدیث و درون پرانتز آورده شده است. شایان توجه است که خود کتاب «غُرَرِ الْحِكْمِ وَ دُرَرِ الْكَلِمِ» با گردآوری «عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی رحمته الله علیه» در قرن ششم هجری قمری، در برگیرنده شمار فراوانی از احادیث مولایمان، حضرت امیر مؤمنان علیه السلام است.

۴. امید است که اگر این طرح و شرح، «روزآمد»، «نوآمد» و «کارآمد» قلمداد گشت و در قاب دیدگان خوانندگان فرزانه و فرهیخته خود نشست و مصداق شعر «کلیم کاشانی» همدانی واقع شد:

گر متاع سخن، امروز کساد است «کلیم»
تازه کن طرز که در چشم خریدار آید

باری دیگر و با کاری دیگر به سویتان آید و این بیت «لسان الغیب شیرازی» را با شما بر لبان آرد:

بیا تا گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم
با کسب توفیق از خدای رفیق، به
مطالعه این «گفتگوی نمادین»
می‌نشینیم:

۱. اما! برخی از سخنوران در هنگام سخنرانی، پراکنده‌گویی می‌کنند و مطالب متفرقه، بسیار می‌گویند و به اصطلاح خودمان، از این شاخه به آن شاخه می‌پرند؛ به طوری که گاهی خودشان هم فراموش می‌نمایند درباره چه موضوعی سخن می‌گفته‌اند، و حتی گاهی از شنندگانشان می‌پرسند که چه می‌گفتیم و در کجا بودیم؟ یعنی می‌خواهم در یک جمله عرض کنم که مطالب سخنرانی‌شان دارای نظم و دسته‌بندی خاصی نیست. می‌خواستم از شما بپرسم که نظر تان در زمینه این گونه سخنرانی‌ها و سخنرانی‌ها چیست؟

✓ به همه کسانی که این گونه سخن می‌گویند و سخنرانی می‌کنند، می‌گویم:

«أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظَامِ وَ
فَهْمَةُ الْخَاصِّ وَالْعَامِّ؛ زیباترین سخن، آن
است که نظم و دسته‌بندی زیبایش آن
را زیبا و آراسته کرده باشد و نخبگان و
همگان، آن را بفهمند.» (۲۳۳)

۲. مولای ما! هنگامی که به پایان سخنرانی‌مان نزدیک می‌شویم، برای اینکه حرفهایمان به خوبی در دل و ذهن مستمعانمان جای بگیرد و به قول معروف، با دست پر از مجلس ما بیرون بروند، آیا خوب است که حرفهایمان را «جمع‌بندی» کنیم و «خلاصه» ای از سخنانمان را دوباره برای آنان بگوییم تا کاملاً متوجه شوند که چه گفته‌ایم و چه می‌خواستیم بگوییم؟

✓ کار بسیار خوبی است؛ زیرا:
«مَنْ قَامَ بِفَتْحِ الْقَوْلِ وَرْتَقِهِ فَقَدْ حَازَ
الْبَلَاغَةَ؛ هر کس بتواند دامنه سخن را
خوب بگستراند و سپس آن را خوب
جمع‌بندی کند، به مقام بلاغت سخن
دست یازیده است.» (۱۱۱)

۳. حضرت! شماری از سخنرانان به گونه‌ای صحبت می‌کنند که مردم عامی و عادی، بیشتر حرفهای آنان را متوجه نمی‌شوند؛ مثلاً از کلمات قلمبه

و سلمبه، فراوان استفاده می‌نمایند و اصطلاحات علمی و واژه‌های خارجی را فراوان به کار می‌برند. البته می‌دانم اگر مخاطبانشان افراد خاصی باشند که با این کلمات قلمبه و سلمبه آشنا نبیند و یا معنای اصطلاحات علمی و واژه‌های خارجی را می‌دانند، خوب اشکال چندانی ندارد؛ اما هنگامی که افراد عامی و عادی هم در سخنرانیهایشان شرکت می‌کنند، به طوری که حتی تعداد آنان نیز بیشتر است، آیا باز هم خوب است که این گونه سخنرانی نمایند؟

✓ این کار زشتی است و آثار سوئی دارد. مگر از من نشنیده‌اند که گفته‌ام:

«إِيَّاكَ وَمَا يَسْتَهْجِنُ مِنَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يُخْسِرُ عَلَيْكَ اللَّئَامَ وَيَنْقُرُ عَنْكَ الْكِرَامَ»

از سخنان زشت و ناپسند پرهیز؛ زیرا این کار، فرومایگان را در اطرافت گرد می‌آورد و بزرگواران را از گردت پراکنده می‌سازد. (۹۹۵)

۵. برخی از اوقات، خودمان هم احساس می‌کنیم که در سخنرانیهایمان بسیار «حاشیه‌پردازی» می‌نماییم و به اصطلاح، وارد جاده خاکی می‌شویم و از اصل موضوع دور می‌گردیم و بعد هم احساس می‌کنیم که سخنان ما خیلی پر مایه و با محتوا نیستند.

✓ باید به این دسته از سخنوران گفت:

«أَحْسِنُ الْكَلَامَ مَا لَا تَمُجُّهُ الْأَذَانُ وَلَا يَتَعَبُ قَهْمُهُ الْأَفْهَامُ»؛ زیباترین سخن، آن است که گوشها را در شنیدن بی رغبت نکند و درک آن، فهمها را در سختی نیندازد. (۲۳۳)

۴. یا علی! بعضی بسیار اندک از سخنرانیها از کلمات سبک و جملات سخیف و شوخیهای قبیح و رکبیک استفاده می‌کنند. درست است که در سخنرانی خوب است از طنز و شوخی

آقا جان! علت این امر چیست و آیا آثار سوئی نیز دارد؟

✓ از علت‌های آن، پرگویی است و باید توجه داشته باشید:

«كَثْرَةُ الْكَلَامِ تَبْشِطُ حَوَاشِيَهُ وَ تَنْقُصُ نِعَاتِيَهُ فَلَا يَرَى لَهُ أَمَدًا وَلَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ»

پر گویی باعث می‌شود که سخن، پر حواشی و تُنک مایه گردد؛ به گونه‌ای که هیچ پایانی برای آن دیده نمی‌شود و هیچ کس از آن بهره‌مند نمی‌گردد. (۱۳۶۲)

۶. آقا جان! بعضی از سخنرانان برای سخنرانی خود، پیش مطالعه نمی‌کنند و فکر خویش را به کار نمی‌گیرند که مثلاً بهتر و مهم‌تر است درباره چه موضوعی سخن بگویند؟ و یا چه سخنانی را بر زبانشان بیاورند یا نیاورند؟ و یا سخنان خود را از کجا آغاز نمایند و در کجا به پایان برسانند؟ و یا سخنانشان را با چه الفاظی و در چه قالب‌هایی ادا کنند؟ بدین جهت هم، معمولاً سخنرانیهایشان نمی‌گیرد و از آن استقبال نمی‌شود. آیا اندرزی هست که به ایشان بگوییم؟

✓ اندرز من به آنان این است:

«مَنْ تَفَقَّدَ مَقَالَهَ قَلَّ عِلْمُهُ؛ هر کس سنجیده و ژرفانه سخن گوید، اشتباهش نیز اندک شود.» (۹۴۸)

۷. حضرت‌ا! چرا گاهی خودمان هم احساس می‌کنیم که سخنان ما تأثیر گذار نیست و چنگی به دل نمی‌زند و سخنرانیهایمان گرم و با سوز و گداز نیست؟ نه خودمان اشکی می‌ریزیم و نه می‌توانیم به گونه‌ای سخن بگوییم که اشک شنندگانمان را جاری سازیم؟

✓ «إِذَا طَابَقَ الْكَلَامُ نِيَّةَ السَّمْعِ قَبْلَهُ الشَّمْعُ وَإِذَا خَالَفَ نِيَّتَهُ لَمْ يَخْسُنْ مَوْقِفُهُ فِي قَلْبِهِ؛ هر گاه سخن گوینده با باور و انگیزه درونی‌اش مطابقت داشته باشد، شنونده آن را می‌پذیرد و هر گاه با باور و انگیزه درونی‌اش مخالفت داشته باشد، در جان شنونده از جایگاه خوبی برخوردار نمی‌شود.» (۱۳۳۱)

۸. برخی از منبریها و سخنوران، حرف‌های تکراری و کلیشه‌ای می‌زنند و به اصطلاح، حرف‌هایشان دیگر کهنه شده است و از مطالب نو و تر و تازه کمتر استفاده می‌کنند و حتی گاهی از این‌گونه مطالب در سخنانشان

خوب‌ترین سخن آن است که عمل خوب [گوینده‌اش] آن را تصدیق کند.

اصلاً دیده نمی‌شود؛ به طوری که بعضیها می‌گویند: مردم، دیگر از منبر و منبری و از شعار و سخنرانی و سخنرانان خسته شده‌اند؛ هر چند می‌دانم که این حرفشان به طور کلی و مطلق درست نیست. نظر حضرت در این باره چیست؟

✓ بله! درست است:

«إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ
فَابْتُغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ؛

بی‌گمان این دلها همانند بدنها خسته و آزرده می‌شوند؛ پس برای [آسایش و آرامش] دلها از حکمت‌های نو و تر و تازه استفاده کنید.» (۱۳۰۵)

۹. مولای من! شماری از سخنوران و خطیبان، سخن گفتن و سخنرانی کردن برای «جوانان و نوجوانان» را کسر شأن خود می‌دانند و از آن پرهیز می‌کنند و گاهی نیز می‌گویند که سخنرانی برای «جوانان و

نوجوانان» شخصیت آدم را پایین می‌آورد و سبک می‌نماید. آیا این حرف صحیح است؟

✓ حرف صحیحی نیست؛ زیرا:

«إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ
مَهْمَا أَلْفَيْ فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَبْلَتَهُ؛

بی‌گمان دل جوان و نوجوان، همسان زمینی خالی است که هر چه در آن افشانده شود، می‌پذیرد.» (۱۳۲۷)

۱۰. علی‌جان! برخی از کسانی که می‌خواهند سخنران شوند، از این کار می‌ترسند و پیش خود می‌گویند: نکند که سخنرانی مان بد و خراب شود، نکند دست و پایمان بلرزد و مردم، متوجه آن گردند، نکند تُثِقُ بزنیم، نکند از ترس و لرز، دست و پایمان را گم کنیم و بسیاری نکندهای دیگر. راه حل این مشکل برای چنین اشخاصی چیست، با توجه به اینکه سخنران شدن را نیز خیلی دوست دارند؟

✓ یکی از راه‌ها برای چنین مشکلی این است:

«إِذَا هَبَّتْ أَمْرًا فَفَعَّ فِيهِ فَإِنَّ شِدَّةَ تَوَقُّعِهِ
أَشَدُّ مِنَ التَّوَقُّعِ فِيهِ؛

هر گاه از انجام دادن کاری

دهند و به قول معروف، با ما رفیق باشند؟

✓ اگر می‌خواهید شنوندگان، شما را دوست داشته باشند و محبت شما در دلشان جای بگیرد، این سخن را از من به خاطر بسپارید؛ هر چند سخنان دیگری نیز در این باره وجود دارد:

«مَنْ لَأْتَتْ كَلِمَتَهُ وَجَبَتْ مَحَبَّتُهُ؛

هر کس سخن گفتنش نرم باشد، دوست داشتنش نیز واجب باشد.» (۹۹۴)

۱۳. آقا جان! اگر می‌شود یکی از شرایط سخن خوب و سخنرانِ موفق را برای ما ذکر بفرمایید تا بتوانیم سخنرانِ موفق‌تری باشیم.

✓ از شرایط سخن خوب و سخنرانِ موفق این است:

«أَحْسَنُ الْمَقَالِ مَا صَدَّقَهُ حُسْنُ الْفِعَالِ؛
خوب‌ترین سخن آن است که عمل خوب [گوینده‌اش] آن را تصدیق کند.» (۲۳۳)

۱۴. حضرت! گاهی شنوندگان ما حال مناسبی برای شنیدن سخنرانی ندارند و یا ظرفیت شنیدن سخنان ما را

ترسیدی، خود را در آن کار قرار ده؛ زیرا دور نگه داشتن خویش از انجام دادن آن کار، دشوارتر از قرار دادن در آن است.» (۱۳۲۹)

۱۱. امام! اصطلاحی است که می‌گویند: محتوای سخن و سخنرانی شامل دو بخش است: یک بخش آن، بخش اصلی و کلیدی و مهم و کاربردی سخن و سخنرانی است که در گفتن آنها شک و تردیدی نیست، ولی بخش دیگر آن، شامل حرفهای اضافی و به قول معروف، همان «پس مانده»‌های سخن و سخنرانی است. نظر مبارکتان درباره این بخش دوم چیست؟

✓ باید همه بدانند:
«مَنْ أَمْسَكَ عَنِ فَضُولِ الْمَقَالِ شَهَدَتْ بِعَقْلِهِ الرَّجَالُ؛

هر کس از [گفتن] حرفهای اضافی [و پس مانده‌های سخن] بپرهیزد، مردم به خیر دورزی‌اش گواهی دهند.» (۹۴۸)

۱۲. یا امیر! چه کنیم که شنوندگان ما را دوست داشته باشند و به سخنرانیهای ما علاقه‌مندی نشان

هر کس در دادن پاسخ شتاب نماید، از دادن پاسخ درست باز ماند.

ندارند. در این صورت، برای آنان سخن بگوئیم و سخنرانی بکنیم یا نه؟
✓ به این اصل مهم توجه داشته باشید، اگر چه اصول دیگری نیز در این باره وجود دارد:

«لَا تَتَكَلَّمَنَّ إِذَا لَمْ تَعِدْ لِلْكَلامِ مَوْعِدًا؛

هر گاه برای سخن گفتن جایگاه مناسبی نمی‌یابی، هرگز سخن نگو.»
(۹۹۴)

جان! نظرتان در این باره چیست؟
✓ اینان کار خوبی نمی‌کنند؛ مگر نمی‌دانند:

«سُرُّ الْقَوْلِ مَا تَقَصَّ بَعْضُهُ بَعْضًا؛

زشت‌ترین سخن آن است که قسمتی از آن، قسمت دیگرش را نقض کند.» (۹۴۶)

۱۵. مولا جان! گاهی از سخنان و سخنرانی خودمان خوشمان می‌آید و احساس کبر و غرور منفی می‌کنیم. آیا این احساس کبر و غرور منفی در ما اثر بد می‌گذارد؟

✓ عزیزم! بدان:

«مَنْ أَعْجَبَهُ قَوْلُهُ فَقَدْ عَزَبَ عَقْلُهُ؛

هر کس از سخن خویش خوشش آید، بی‌گمان از خردورزی‌اش دور شود.» (۹۴۷)

۱۷. امام! بعضی وقتها از ما سؤالاتی می‌کنند که دوست داریم زود جواب آنها را بدهیم و پیش از پاسخ دادن، خیلی فکر نکنیم و فوری جواب سؤال را به شنوندگانمان بدهیم؛ به خصوص که گاهی در همان وسط سخنرانی و در جریان سخن گفتن، از ما سؤالی می‌کنند. آیا باید بدون تأمل و فکر کردن و در همان موقع و فوری، جواب این سؤالات را بدهیم؟

۱۶. مولا علی! تعدادی از سخنوران گاهی سخنانی متضاد و متناقض با یکدیگر می‌گویند؛ مثلاً یک بار در جلسه‌ای سخنی می‌گویند و هفته بعد از آن، سخنی بر خلاف و متضاد و متناقض با آن می‌گویند. آقا

✓ توجه داشته باشید به این نکته، هر چند نکات دیگری نیز در این باره

مستقیم و تصریح گویی بی نیاز شود.»

(۱۰۳۲)

۱۹. یا امیرالمؤمنین (ع)! برخی

اوقات از ما دعوت می‌کنند تا در

موضوعات و مباحثی سخنرانی نماییم

که مطالعات و اطلاعات کافی در زمینه

آنها نداریم؛ حتی گاهی به ما اصرار

می‌کنند که در آن موضوعات و

مباحث، چند جمله‌ای سخن بگوییم.

آیا این دعوتها را بپذیریم و برای آنان

سخنرانی بکنیم؟

✓ بدان که:

«لَا تُخَيِّرْ بَيْنَا كَمْ تُحِطُ بِهِ عِلْمًا؛

در باره چیزهایی که احاطه علمی

به آنها نداری، سخن نگو.» (۲۸۲)

۲۰. یا مولا! شماری از سخنوران

دارای معلومات فراوانی هستند و

گویی که علامه‌اند و از مسائل و مباحث

بسیاری آگاهی کامل دارند. آیا اینان هر

چه را می‌دانند، باید برای مردم

بگویند؟

✓ نه:

«لَا تَتَكَلَّمُ بِكُلِّ مَا تَعْلَمُ فَكَفَى بِذَلِكَ

جَهْلًا؛

هر چه را می‌دانی نگو؛ زیرا برای

هست:

«مَنْ أَسْرَعَ فِي الْجَوَابِ لَمْ يَذَرِكِ

الصُّوَابِ؛

هر کس در دادن پاسخ شتاب

نماید، از دادن پاسخ درست باز ماند.»

(۱۷۰)

۱۸. حضرت! روش سخن گفتن در

سخنرانی را به دو روش تقسیم

کرده‌اند: یکی روش «مستقیم» و

«صریح گویی»، و دیگری روش «غیر

مستقیم» و «غیر صریح گویی» که به آن،

«تلویح گویی» و «تلویحاً سخن گفتن»

نیز می‌گویند. واضح است که از هر دو

روش در سخنرانی باید استفاده کرد،

ولی می‌خواستم بدانم که از روش

«مستقیم» و «صریح گویی» باید بیشتر

استفاده نماییم و یا از روش «غیر

مستقیم» و «تلویح گویی»؟ در این

مورد، ما راه‌نمایی بفرمایید.

✓ از هر دو روش باید استفاده

کرد؛ اما:

«مَنْ أَكْتَفَى بِالتَّلْوِيحِ اسْتَفْنَى عَنِ

التَّصْرِيحِ؛

هر کس به روش غیر مستقیم و

تلویح گویی بسنده کند، از روش

نمی‌شود که مردم نسبت به منبر و منبری و سخنرانی و سخنران دلزده گردند؟

✓ از آفت‌هایی که برخی از سخنرانها و سخنرانیه‌ها دچار آن شده‌اند، همین آفت است. مگر اینها نشنیده‌اند که من گفته‌ام:

«أَفَةُ الْكَلَامِ الْإِطَالَةُ؛

آفت سخن گفتن، طول دادن آن است.» (۹۹۵)

۲۳. یا علی! گاهی اوقات، برخی از شنوندگان فضول و با شیطنت، در هنگام سخنرانی مَتَلک یا تیکه‌ای به سخنران می‌پرانند و یا گاهی به اصطلاح معروف، «پارازیت» می‌اندازند. سخنران در برخورد با این گونه شنوندگان چه کار باید بکند؟

✓ گاهی در برابر این گونه شنوندگان باید دانست:

«رُبَّ كَلَامٍ جَوَابُهُ السُّكُوتُ؛

چه بسا سخنی که پاسخ آن، سکوت است.» (۴۹۵)

۲۴. امام! گاهی در سخنرانی حرف اشتباهی می‌زنیم و یا خطایی را مرتکب می‌شویم و در همان موقع و

نادان شمردن [تو] همین بس است.» (۹۹۴)

۲۱. مولاجان! تعداد بسیار اندکی دقیق سخن نمی‌گویند؛ به خصوص که در مجالس ختم و فاتحه، این موضوع گاه به چشم می‌خورد و در آنها در مورد شخص متوفی اغراق گویی شنیده می‌شود. آیا به کارگیری دروغ و این گونه اغراق ورزیها و مبالغه گوییها در سخنرانی شایسته است؟

✓ اگر سخنرانی در پی ارجمندترین سخنان هستند، باید به این نکته مهم توجه داشته باشند که:

«أَشْرَفُ الْأَقْوَالِ الصُّدُقُ؛

ارجمندترین سخنان آن است که راست باشد.» (۵۹۲)

۲۲. یا امیرالمؤمنین! گاهی بعضی از منبریه‌ها و سخنرانها سخنان خود را بسیار طول می‌دهند؛ به گونه‌ای که آدم خیلی خسته می‌گردد و هی از این پا به آن پا می‌شود و دلش می‌خواهد هر چه زودتر مجلس تمام گردد و از آن مجلس بیرون رود و راحت شود. آیا اینان کار درستی می‌کنند؟ و آیا همین طول دادن سخنرانیهایشان باعث

خواهی در برابر آن بی نیاز می‌کند.»
(۱۴۷)

۲۵. علی جان! آیا در همه جا باید به طور یکسان سخن بگوییم و یا بسته به جاها و افراد و زمانهای گوناگون باید به صورتهای گوناگون سخنرانی کنیم که از حالت یکنواختی و غیر متنوع نیز خارج شود؟

✓ بله! درست است، چون:

«لِكُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ»

برای هر جایی سخن خاصی وجود دارد.» (۹۵۲)



هر کس به روش غیر مستقیم و تلویح گویی بسنده کند، از روش مستقیم و تصریح گویی بی نیاز شود.

در همان سخنرانی یا در شب و یا شبهای بعد از آن و در جلسه یا جلسات بعدی، متوجه اشتباه و خطای خود می‌گردیم. در این گونه موارد می‌خواستم بدانم که آیا در برابر شنوندگان خود باید به خطا و اشتباهمان اقرار و اعتراف کنیم و آن را ذکر نماییم و یا به طور کلی بگوییم که مثلاً دیشب خطا و اشتباهی را در سخنانمان داشته‌ایم و به جزئیات آن اشاره نکنیم و فقط از آنان عذرخواهی نماییم؟

✓ باید توجه داشت که یکی از نکات در این گونه موارد این است:

«رَبِّ جُزْمٍ أَغْنَىٰ عَنِ الْأَعْتَدَارِ عَنَّهُ الْأَقْرَارُ»

به؛

چه بسا جریمی که اقرار و اعتراف کردن به آن، [شخص را] از عذر